

استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مژگان قربانی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۱۶

چکیده

از مهم‌ترین مسائل آمریکا، استقرار سپر دفاع موشکی برای دفاع در برابر حمله‌های موشک‌های بالستیک می‌باشد. آمریکا افزون بر ایجاد سپر دفاع موشکی در ترکیه، اقدام‌هایی را برای افزایش توان دفاع هوایی کشورهای حوزه خلیج فارس انجام داده است. فروش سامانه دفاع هوایی پاتریوت به چهار کشور عربی حوزه خلیج فارس و ارسال رادارهای ایکس باند از جمله اقدام‌های آمریکا می‌باشد. هدف این مقاله، شناخت دقیق سپر دفاع موشکی در خلیج فارس و شناسایی پیامدهای این سپر در محیط پیرامونی ایران و تأثیر آن بر امنیت و منافع ملی کشورمان و سرانجام شناخت راهکارهای مواجهه با این سپر در محیط امنیتی ج.ا. ایران و به حماقت رساندن آسیب‌های احتمالی می‌باشد. در این راستا، ابتدا به جایگاه سپر دفاع موشکی در راهبرد امنیت ملی آمریکا اشاره شده و سپس تاریخچه آن مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، روند و هدف‌های سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی، ترکیه و خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفته و سرانجام، توضیحاتی در مورد تأثیرهای سپر دفاع موشکی بر امنیت ملی ج.ا. ایران ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: آمریکا، ایران، خلیج فارس، سپر دفاع موشکی، تهدید.

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله

بر اساس راهبرد امنیت ملی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این کشور افزون بر تهدیدهای همگون با تهدیدهای ناهمگونی روبه‌روست که از بازیگران دولتی و غیردولتی سرچشمه می‌گیرد. تهدیدهای همگون که امنیت آمریکا را تهدید می‌کند، از قدرت نظامی و غیرنظامی رقبای این کشور در سطح جهانی (روسیه و چین) ناشی می‌شود. تهدیدهای ناهمگون برآیند سه عامل تروریسم، کشورهای یاغی و سلاح‌های کشتار جمعی است. بنابراین سپر دفاع موشکی آمریکا بخشی از راهبرد امنیت ملی آمریکا برای مقابله با تهدیدهای نامتقارن می‌باشد. در این راهبرد تأکید شده است که از تمامی امکانات فنی مستقر در زمین، دریا و فضا برای رهگیری موشک‌های بالستیک دشمن، هنگامی که وارد جو زمین می‌شوند، استفاده گردد. همچنین پیش‌بینی شده که موشک‌های دشمن هنگامی که در مراحل اولیه پرتاب هستند و هنوز به حالت بالستیک در نیامده‌اند، رهگیری شده و مورد هدف قرار گیرند. ایالات متحده معتقد است که توانایی موشکی ایران در بلندمدت می‌تواند آمریکا را تهدید کند. بنابراین ایجاد سپر دفاع موشکی، پیرامون ج.ا. ایران ضروری است. در دوران بوش تلاش شد که این سپر در اروپا ایجاد شود که با مخالفت‌های روسیه مواجه گردید. با روی کار آمدن اوباما نیز همزمان با استقرار این سپر در ترکیه، تلاش‌هایی برای افزایش توان دفاع هوایی کشورهای حوزه خلیج فارس انجام شد. با توجه به اهمیت این موضوع، هدف این مقاله، ارزیابی سپر دفاع موشکی آمریکا و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی سپر دفاع موشکی آمریکا از این جهت حائز اهمیت است که آمریکا این سپر را در اطراف ج.ا. ایران مستقر نموده است؛ بنابراین تأثیرهای زیادی به‌ویژه بر

امنیت ایران دارد و با منافع ملی کشور سازگاری ندارد. حضور بیشتر نیروهای آمریکایی در منطقه، پیچیده‌تر شدن مسائل امنیتی، افزایش همکاری بین آمریکا و کشورهای عربی و ایجاد فضای بی‌اعتمادی بیشتر در منطقه، تنها بخش محدودی از پیامدهای منفی اقدام آمریکا محسوب می‌شود. بنابراین مقابله مؤثر با سپر دفاع موشکی آمریکا مستلزم شناخت دقیق آن می‌باشد تا در قالب پیشنهادهای کاربردی به ارائه راهبردهای مؤثر برای مقابله با این سپر پرداخته شود. توجه تصمیم‌گیران کشور به این راهکارها، گامی مؤثر برای به حداقل رساندن ضریب آسیب‌پذیری امنیتی ج.ا. ایران محسوب می‌شود.

۳-۱. پیشینه و هدف تحقیق

در بسیاری از نوشته‌هایی که در چند سال اخیر در تحلیل مسائل مربوط به سپر دفاع موشکی آمریکا تدوین گردیده است، تلاش شده تا به بررسی استقرار این سپر در اروپا پرداخته شود. برای مثال حسن میرفخرایی در مقاله خود با عنوان «بحران استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی» به بررسی هدف‌ها و پیامدهای این سپر برای روسیه می‌پردازد. همچنین ناصر هادیان و شانی هرمزی در مقاله‌ای با عنوان «نقش سیستم دفاع موشکی در ایجاد بازدارندگی هسته‌ای: بررسی رفتار امنیتی - نظامی ایران» به قدرت بازدارندگی این سامانه و واکنشی اشاره می‌کند که سایر کشورها و از جمله ایران می‌تواند به آن داشته باشند. در مجموع می‌توان گفت که هر یک از این آثار دارای ابعاد مثبتی هستند و به روشن شدن جنبه‌هایی از سپر دفاع موشکی آمریکا کمک می‌کنند، ولی با توجه به خلأ موجود در این آثار، تدوین پژوهشی منسجم و علمی لازم به نظر می‌آید. بنابراین شناخت دقیق سپر دفاع موشکی در خلیج فارس و شناسایی پیامدهای این سپر در محیط پیرامونی ایران و تأثیر آن بر امنیت و منافع ملی کشورمان و سرانجام، شناخت راهکارهای مواجهه با این سپر در محیط امنیتی ایران و به حداقل رساندن آسیب‌های احتمالی، از اصلی‌ترین هدف‌های این پژوهش به شمار می‌رود.

۴-۱. پرسش تحقیق

آمریکا از استقرار سپر دفاع موشکی در خلیج فارس چه هدف‌هایی را دنبال می‌کند و این سپر چه تأثیری بر امنیت ج.ا. ایران دارد؟

۵-۱. فرضیه تحقیق

هدف آمریکا، مهار ایران می‌باشد. بنابراین استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در خلیج فارس با منافع امنیتی ایران سازگار نیست و باعث ورود تسلیحات به منطقه و در نتیجه، مسابقه تسلیحاتی می‌شود که تهدیدی برای امنیت کشور محسوب می‌شود.

۶-۱. روش تحقیق

متغیر مستقل در این مقاله، مهار ایران و متغیر وابسته، هدف‌های آمریکا از استقرار سپر دفاع موشکی در خلیج فارس می‌باشد. فرض بر این است که بین این دو متغیر رابطه‌ای مستقیم برقرار است. برای آزمون فرضیه، تلاش شده است تا از روش کتابخانه‌ای استفاده شود. در روش کتابخانه‌ای، اطلاعات مورد نیاز از راه جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی (کتاب‌ها و مقاله‌ها)، اینترنتی (وب‌گاه‌های معتبر علمی) و بانک‌های اطلاعات داخلی و خارجی به دست می‌آید. در این راستا، نگارنده می‌کوشد رابطه همبستگی میان متغیرها را نشان دهد.

۷-۱. ساماندهی تحقیق

به‌منظور پاسخ به پرسش‌های تحقیق و بررسی فرضیه‌های طرح شده، ابتدا به جایگاه این سپر در راهبرد امنیت ملی آمریکا اشاره می‌شود. سپس تاریخچه آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گام سوم، روند و هدف‌های سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی،

ترکیه و خلیج فارس بررسی می‌گردد. در گام چهارم، تأثیرهای این سپر بر امنیت جمهوری اسلامی ایران مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

۲. جایگاه سپر دفاع موشکی در راهبرد امنیت ملی آمریکا

خاستگاه قانونی سپر دفاع موشکی آمریکا را باید در راهبرد امنیت ملی این کشور جست‌وجو کرد. راهبرد امنیت ملی آمریکا که اصول راهنمای کاخ سفید در تصمیم‌گیری‌های نظامی است، درباره سامانه جامع دفاع موشکی تصریح می‌دارد که آمریکا باید سامانه جامع دفاع موشکی نیمه‌راهبردی خود را بنا نهد. استقرار سامانه دفاع موشکی برای دفاع در برابر حمله‌های موشک‌های بالستیک ضروری به نظر می‌رسد. این سند با اشاره به گسترش فناوری موشک‌های کروز و دیگر موشک‌های پیشرفته، دولت این کشور را ملزم می‌سازد تا امکانات دفاعی لازم را در برابر این تهدیدها فراهم کند. افزون بر این، به ابعاد فنی، مالی و سیاسی طرح سپر دفاع موشکی اشاره می‌کند و از دولت این کشور می‌خواهد تا در این زمینه، اقدام‌های لازم را انجام دهد. علت تأکید راهبرد امنیت ملی آمریکا بر داشتن سپر دفاع موشکی را باید در ترس این کشور از تهدیدهای موشکی علیه آمریکا دانست که می‌تواند به شکل حمله‌های هسته‌ای باشد. بنابراین دفاع از میهن و حمایت از غیرنظامیان نیاز به آمادگی نیروهای نظامی از جمله برخورداری از قابلیت دفاع موشکی دارد (کمیسون تدوین راهبرد امنیت ملی آمریکا، ۱۳۸۳: ۲۷۷).

۳. تاریخچه و سیر تحولات سپر دفاع موشکی

سابقه سپر دفاع موشکی به دوران ریاست جمهوری آیزنهاور برمی‌گردد. در سال ۱۹۴۶ در حالی که آیزنهاور به‌عنوان رئیس ستاد ارتش از فورت بلیس^۱ در تگزاس دیدن

1. Fort Bliss

می‌کرد، اولین اقدام‌ها در مورد سپر دفاع موشکی انجام شد. وی در یک نشست در مورد ایده متوقف کردن یک موشک با موشک دیگر، ابراز شک و تردید کرد و گفت که چنین کاری به‌مثابه زدن یک گلوله با گلوله دیگر است که خیلی سخت انجام می‌شود. این شک و تردید آیزنهاور در بین دیگر مقام‌های آمریکایی وجود نداشت که موشک Prorgan آلمان، پس از جنگ جهانی دوم را بررسی کرده بودند. این مقام‌ها به‌شدت تحت تأثیر سلاح‌های جدید برای دفاع قرار گرفته بودند. توانایی موشک‌ها به‌ویژه وقتی که با یک کلاهک اتمی ترکیب می‌شوند، محققان آمریکایی را به این نتیجه رساند که آمریکا چاره‌ای جز دنبال کردن توسعه دفاع موشکی بالستیک ندارد. مقام‌های آمریکایی نگران برنامه‌های موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای^۱ آلمان بودند که ممکن بود علیه شهر نیویورک استفاده گردد و جنگ ادامه پیدا کند. بنابراین پس از جنگ به‌دلیل نگرانی درباره تهدیدهای موشکی در آینده، بررسی‌های زیادی توسط اداره تجهیزات وزارت جنگ به ریاست ژنرال جوزف دبلیو استیول^۲، فرمانده نیروهای آمریکایی در چین، برمه و هند انجام گرفت. گزارش استیول در ژانویه ۱۹۴۶ نشان داد که موشک‌هایی با سرعتی مافوق صوت وجود دارند، از جمله این سلاح‌های جدید، موشک‌های بین‌قاره‌ای با بُرد بیش از ۳۰۰۰ مایل حامل مواد منفجره اتمی می‌باشد. قدرت نابودکنندگی این سلاح‌ها، الزام‌هایی را برای دفاع به‌وجود آورد. در ابتدا بعضی از مقام‌ها با نظر آیزنهاور در سال ۱۹۴۶ در مورد امکان‌پذیر نبودن دفاع موشکی از نظر فنی، موافق بودند، ولی در نهایت، در ژوئن ۱۹۵۵، یعنی در دوره دوم ریاست جمهوری آیزنهاور، ارتش با ایجاد سپر دفاع موشکی بالستیک^۳ موافقت کرد که به نایک ژئوس^۴ شهرت یافت (Baucom, 2004: 7-8).

1. ICBMs
2. General Joseph W. Stiwell
3. BMD (Ballistic Missile Defense)
4. Nike-Zeus

در دوران کندی، طرحی دفاعی با عنوان ایکس وجود داشت. این طرح نسبت به طرح پیشین، ویژگی‌های عمده‌ای داشت؛ از جمله اینکه یک سپر دفاع موشکی با کلاهک‌های هسته‌ای بُرد کوتاه و سرعت بالا و رادارهای هشداردهنده الکترونیک، آن را حمایت می‌کرد، اما بزرگی و گستردگی طرح و بودجه کم، مانع اجرا و به ثمر رسیدن طرح شد. در زمان ریاست جمهوری جانسون این بحث مطرح شد که چگونه از تجهیزات و دارایی‌های آمریکا در برابر حمله‌های موشک‌های بالستیک دفاع نمایند؟ بنابراین در سال ۱۹۶۷ پیشنهاد شد که یک ایستگاه رهگیری با کلاهک هسته‌ای در خارج از شهرهای آمریکا ایجاد نمایند که این طرح در سال ۱۹۷۵ به پایان رسید و یک پایگاه در گرند فورک^۱ در داکوتای شمالی^۲ ایجاد گردید (Mankoff, Mar 2012: 330).

در سال ۱۹۶۹، نیکسون با تجدیدنظر در طرح‌های موشکی، آن را وارد مرحله تازه‌ای کرد. وی برنامه دفاع موشکی را با عنوان برنامه حفاظتی پیگیری نمود. این برنامه بر استقرار موشک‌های تهاجمی در خارج از شهرها تمرکز داشت؛ به گونه‌ای که این اطمینان ایجاد شود که این موشک‌ها بتوانند در برابر حمله نخستین دشمن دوام آورند و قادر به حمله تلافی‌جویانه بر ضد شوروی باشند. وی دوازده پایگاه در شهرهای عمده و حساس آمریکا احداث کرد که به‌طور مستقیم زیر نظر فرماندهی مخصوص ویژه واشنگتن فعالیت می‌کردند (Hildreth, 2005: 3).

ریگان دفاع موشکی را به بخش مهمی از برنامه ستاد انتخاباتی خود تبدیل کرد و در سال ۱۹۸۳ پیشنهاد ابتکار دفاع راهبردی^۳ را داد که توسط مخالفانش با عنوان جنگ ستارگان^۴ معروف شد. هنگامی که این طرح از سوی ریگان مطرح شد، تنها یک نظریه بود، بدون اینکه فناوری لازم برای اجرای آن وجود داشته باشد. یک برنامه تحقیقاتی بلندمدت بود که هدف آن، توسعه استقرار سامانه‌های زمینی و فضایی بود و در آن با

1. Grand Fork
2. North Dakota
3. SDI (Strategic Defense Initiative)
4. Star Wars

به کار بردن فناوری بسیار پیشرفته، مانند اشعه لیزر می‌توان موشک‌های بالستیک دشمن را در مراحل مختلف پرواز آن، نابود کرد. این طرح به دلایل فنی و هزینه‌های سرسام‌آور آن، تحقق نیافت، ولی بسیاری از کارشناسان بر این باورند که گرچه طرح ریگان هرگز عملی نشد، ولی در تضعیف روحیه و فرسایش توان مادی اتحاد شوروی که ابزار و امکانات علمی و مالی لازم برای چنین رقابتی را نداشت، بسیار مؤثر بود (Mankoff, Mar 2012: 330).

زمانی که اتحاد جماهیر شوروی فرو پاشید، بزرگ‌ترین تهدید امنیتی برای آمریکا از بین رفت و دیگر فشارها برای ایجاد سپر دفاع موشکی وجود نداشت، ولی جورج بوش پدر، راهبرد سپر دفاع موشکی را از جنگ ستارگان به محافظت جهان در قبال حملات محدود^۱ تغییر داد. این سامانه که تأکید زیادی بر روی استقرار سامانه‌های فضایی برخلاف سامانه‌های رهگیری زمینی داشت، شامل مجموعه‌ای از ناوشکن‌های فضایی تحت عنوان گوه‌های ارزشمند بود. این طرح واقع‌بینانه‌تر از طرح ریگان بود، ولی این طرح نیز به اجرا در نیامد (Sarihan, et. al, 2009: 23).

کلینتون در سال ۱۹۹۳ نام این برنامه را به دفاع ملی موشکی^۲ تغییر داد و اصرار زیادی بر عملیاتی کردن دو سامانه موشکی در آلاسکا و کالیفرنیا برای بازدارندگی در برابر تهدیدها علیه آمریکا داشت. در این طرح از تمامی امکانات فنی مستقر در زمین، دریا و فضا برای رهگیری موشک‌های بالستیک دشمن هنگامی که وارد جو زمین می‌شوند، استفاده شده بود. همچنین در این طرح پیش‌بینی شده بود که موشک‌های دشمن هنگامی که در مراحل اولیه پرتاب هستند و هنوز به حالت بالستیک در نیامده‌اند، رهگیری و مورد هدف قرار گیرند. هدف نهایی آن بود که هر موشک بالستیک طرف مقابل، پیش از رسیدن به فضای آمریکا رهگیری و نابود شود (Sarihan, et. al, 2009: 23).

1. GPALS (Global Protection Against Limited Strikes)

2. National Missile Defense

هدف‌های دفاع ملی موشکی عبارتند از:

- (۱) شناسایی و ردیابی موشک‌های بالستیک دشمن،
- (۲) ادامه ردیابی موشک‌های بالستیک با استفاده از رادار زمینی،
- (۳) درگیر و نابود کردن کلاهک موشک‌های بالستیک فراتر از جو زمین.

این سامانه متشکل از پنج عنصر است:

- (۱) رهگیرهای زمینی^۱،
- (۲) مدیریت نبرد، فرماندهی، واپایش (کنترل) و ارتباطات^۲،
- (۳) رادار ایکس-باند^۳،
- (۴) ارتقای رادار هشداردهنده زود هنگام،
- (۵) طرح حمایت ماهواره‌ای مبتنی بر سامانه مادون قرمز فضایی (www.fas.org).

این طرح در زمان کلینتون، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا سه بار مورد آزمایش قرار گرفت که در دو آزمایش با شکست مواجه شد. اولین آزمایش اواخر سال ۱۹۹۹، دومین آزمایش اواسط ژانویه سال ۲۰۰۰ و سومین آزمایش نیز هفتم ژوئیه سال ۲۰۰۰ میلادی انجام شد. این طرح کلینتون، با وجود اینکه از سوی برخی کارشناسان نظامی آمریکا، عملی و واقع‌گرایانه توصیف شده بود، در آزمایش‌های اولیه با شکست مواجه شد و کلینتون در سال ۲۰۰۰ میلادی این طرح را به حال تعلیق در آورد و ادامه آن را به جانشین خود واگذار نمود.

به طور کلی، سپر دفاع موشکی یادگاری از جنگ سرد است. هدف و تمرکز سپر دفاع موشکی در تمام سال‌ها، محافظت از نیروهای مسلح آمریکا و متحدانش و در نهایت محافظت از خود آمریکا بوده است (Sarihan, et. al, 2009: 23).

1. Ground Based Interceptors (GBIS)
2. Battle Management, Command, Control and Communications (BMC3)
3. X-Band

حادثه ۱۱ سپتامبر، فرصتی را برای جورج دبلیو بوش فراهم نمود تا اعلام کند که راهبرد امنیت ملی خود را برای مقابله با احتمال حمله از سوی کشورها و بازیگران محور شرارت، تغییر داده است. در این راستا آمریکایی‌ها به طور یک‌جانبه در سال ۲۰۰۲ از پیمان موشک‌های ضدبالستیک^۱ خارج شدند. توجه آنها این بود که سامانه دفاع موشکی آمریکا به نقطه‌ای از توسعه رسیده است که از مرزهای تعیین شده در پیمان موشک‌های ضدبالستیک گذشته است. این در حالی بود که برنامه دفاع موشکی آمریکا به نقطه‌ای نرسیده بود که این پیمان را محدود کند و به آمریکا و روسیه اجازه دهد که یک پایگاه (سایت) دفاع موشکی ملی مختص به خود داشته باشند، بلکه به دلیل تفر بوش از معاهده‌های بین‌المللی و تمایلش به اقدام‌های یک‌جانبه بود که از این پیمان خارج شد. افزون بر آن، جورج دبلیو بوش اعلام نمود که این پیمان بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بسته شده بود نه آمریکا و روسیه (Coyle & Samson, 2008: 14).

پس از خروج از پیمان موشک‌های ضدبالستیک، رایس، هادلی، ولفوویتز و دیگر حامیان سپر دفاع موشکی، طرح‌هایی را برای استقرار و توسعه یک سامانه برای محافظت از کشور آمریکا ارائه دادند. در نهایت بر روی سامانه دفاع میانه‌راه زمین‌پایه^۲ توافق کردند که شامل دو پایگاه (سایت) رهگیری در آمریکا (در فورت گرلی^۳ آلاسکا و وندنبرگ^۴ داکوتای شمالی) و یک پایگاه در اروپا در روستای ردزیکوو^۵ در لهستان در نزدیکی سواحل بالتیک بود. مرکز رادار پیشرفته، متصل به سومین پایگاه نیز در یک رشته‌کوه در جنوب غربی پراگ برنامه‌ریزی شده بود (Mankoff, Mar 2012: 335)، ولی روسیه به مخالف با طرح سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا پرداخت؛ چرا که معتقد بود که از یک سو سازوکار واپایش (کنترل) تسلیحات نقض می‌شود و از سوی دیگر، توازن

1. ABM (Anti-Balistic Missile)
2. GMD (Ground-Based Midcourse Defense)
3. Fort Greely
4. Vendenberg
5. Redzikowo

قدرت در اروپا به هم می‌خورد و باعث تضعیف بازدارندگی روسیه می‌شود. در واقع آنان معتقد بودند که خروج آمریکا از پیمان موشک‌های ضدبالستیک در سال ۲۰۰۲ و استقرار سپر دفاع موشکی در نزدیکی روسیه به معنی ضعف روسیه برای رویارویی با اولین ضربه آمریکا می‌باشد. عدم واکنش نسبت به تصمیم آمریکا برای استقرار سپر دفاع موشکی به معنای عدم پاسخ قاطع روسیه به عقب‌نشینی آمریکا از این پیمان می‌باشد (Sarihan, et.al, 2009: 25).

یکی از مسائل اوپاما هنگام ورود به کاخ سفید در ژانویه سال ۲۰۰۹، ایجاد پایگاه (سایت) سوم در اروپا بود. اوپاما پس از مراسم تحلیف خود، در مورد سپر دفاع موشکی گفت: «تا زمانی که تهدید ایران وجود دارد، ما همچنان تلاش می‌کنیم که سپر دفاع موشکی مقرون به صرفه‌ای ایجاد نماییم. اگر تهدید ایران از بین برود، نیروی محرک برای ساخت سپر دفاع موشکی در اروپا نیز از بین می‌رود». البته این اظهارات اوپاما به دلیل انتقاداتی بود که به سپر دفاع موشکی در اروپا داشت که نه مقرون به صرفه بود و نه مبتنی بر فناوری اثبات شده (Mankoff, Mar 2012: 337). گزینه‌هایی که فراروی اوپاما وجود داشت، عبارت بودند از:

(۱) هیچ کاری انجام ندادن: اگر آمریکا تصمیم به لغو سپر دفاع موشکی بگیرد، تنش‌زدایی بین آمریکا و روسیه، تاحدی آسان می‌شود، ولی متحدان آمریکا یعنی جمهوری چک و لهستان که از ناحیه روسیه احساس تهدید می‌کنند، فکر می‌نمایند که آمریکا آنها را رها کرده است. کشورهای دیگر نیز ممکن است تسلیم را نشانه ضعف بدانند.

(۲) ادامه طرح دولت بوش: اگر طرح بوش ادامه پیدا کند، لهستان و جمهوری چک احساس امنیت بیشتری نسبت به تهدیدهای روسیه پیدا می‌کنند. کره شمالی و برخی کشورهای دیگر نیز ممکن است در مورد برنامه‌های موشکی بالستیک خود مردد شوند. البته آمریکا نیز باید بن بست بودجه و شکاف فناوری را حل نماید.

(۳) فقط استفاده از فناوری دریایی: آمریکا می‌تواند یک سامانه به طور کامل مستقر در دریا را ادامه دهد. این گزینه از مشکل دیپلماتیک تصویب معاهده جلوگیری می‌کند، همچنین می‌تواند به کاهش تنش با روسیه بینجامد، ولی این سامانه بدون استفاده از رادار زمینی دقیق نخواهد بود.

(۴) روش مرحله‌بندی شده در اروپا^۱: در این رویکرد، چهار مرحله را باید در نظر گرفت:

مرحله اول: استقرار ناوهای نیروی دریایی با رهگیر SM-3 در شرق مدیترانه که قرار بود تا سال ۲۰۱۱ تکمیل شود، اما عملی نشد.

مرحله دوم: شامل SM-3 زمینی در کشورهای متحد با سامانه‌های رادار (احتمال دارد در قفقاز) که برای سال ۲۰۱۵ برنامه‌ریزی شده است.

مرحله سوم: شامل سامانه‌های زمینی بزرگ‌تر که برای محافظت از اروپا و آمریکا در برابر موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد و در نهایت موشک‌های قاره‌پیما مناسب می‌باشد که برای سال ۲۰۱۸ برنامه‌ریزی شده است.

مرحله چهارم: گسترش بلوک SM-3 با رهگیر IIB برای مقابله با موشک‌های میان‌برد و موشک‌های قاره‌پیما که برای سال ۲۰۲۰ برنامه‌ریزی شده است.

مزایای این روش این است که روش مرحله‌بندی شده در کوتاه‌مدت به روسیه آرامش می‌دهد و برای متحدان اروپایی نیز احساس امنیت فراهم می‌کند. همچنین می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر کره شمالی و دیگر کشورها با موشک‌های بالستیک عمل نماید.

در کنار این مزایا، روش مرحله‌بندی دارای معایبی زیر نیز می‌باشد:

(۱) آمریکا و متحدان آن دست‌کم به مدت پنج سال آسیب‌پذیر خواهند بود و این روش، فرصتی را برای کشورهای فراهم می‌کند که می‌خواهند حمله نمایند.

1. EPAA (European Phased Adaptive Approach)

(۲) رهبران روسیه به احتمال زیاد، مخالفت خود را با سامانه بزرگ زمینی در سال ۲۰۱۸ بیشتر خواهند کرد.

(۳) مرحله سوم و چهارم، از نظر فناوری اثبات نشده‌اند (Sarihan, et. al, 2009: 28).

در سپتامبر ۲۰۰۹ اواما اعلام کرد که دولت او پیشنهاد پایگاه (سایت) سوم را کنار گذاشته است، ولی چند هفته بعد اعلام کرد که به دنبال ایجاد روش مرحله‌بندی شده به جای آن است.

در واقع دو متغیر اصلی که در بازبینی اواما در سپر دفاع موشکی وجود داشت، متغیرهای «هزینه- فایده» و «عملی شدن» بود. منظور از هزینه- فایده، در پیش گرفتن سیاست‌هایی در زمینه سپر دفاع موشکی است که منجر به کاستن پیامدهای منفی طرح به‌ویژه در مورد اختلاف‌های آمریکا با روسیه می‌باشد و منظور از متغیر عملی شدن، افزایش احتمال موفقیت طرح با افزایش اجماع بین کشورهای غربی و افزایش کارایی با توجه به شناسایی تهدیدهای واقعی و در نتیجه، کشور مناسب برای میزبانی از تأسیسات سپر دفاع موشکی است. از نظر اواما این متغیرها مواردی هستند که در گذشته کمتر مورد توجه دولت بوش قرار گرفته است. بنابراین آمریکا برای رهایی از این هزینه (مخالفت‌های روسیه و کشورهای اروپایی) و همچنین بالا بردن کارایی و عملی بودن طرح باید طرح سپر دفاع موشکی را مورد بازبینی قرار دهد (Gray, 15 January 2009).

براساس آنچه بیان شد اواما ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپا را تعلق نمود و ترکیه را به‌عنوان مکان مناسبی برای این سپر معرفی نمود. به باور اواما، تعلق طرح بوش از چند جهت در راستای منافع آمریکاست: نخست اینکه، این کار باعث کاهش اختلاف‌های آمریکا با برخی از کشورهای اروپایی و روسیه می‌شود و فضا را برای ایجاد اجماع بیشتر مهیا می‌سازد. دوم اینکه، ترکیه به دلیل اینکه نزدیکی بیشتری با محور تهدیدهای موشکی دارد، بنابراین کارایی طرح افزایش می‌یابد. سوم اینکه، باعث تقویت رابطه ترکیه با غرب می‌شود. گفتنی است در چند سال گذشته، سیاست خارجی ترکیه

به دلیل ناکامی در پیوستن به اتحادیه اروپا و تقویت اسلام‌گرایان در این کشور با تغییراتی همراه بوده که این دگرگونی‌ها، اغلب برخلاف منافع کشورهای غربی بوده است و باعث حمایت گسترده ترکیه از حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در قالب اعلامیه سه‌جانبه برزیل گردیده است (Zadra, 2010: 14).

وزیر خارجه ترکیه نیز در کشاکش فشار کم‌سابقه آمریکا برای استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک این کشور اعلام کرد که ترکیه دیگر مانند دوران جنگ سرد، خط‌مقدم ناتو نخواهد بود. داوود اوغلو اعلام کرد که ناتو باید به دنبال طراحی ترتیبات دفاعی برای خود باشد و ترکیه نیز در این ترتیبات مشارکت خواهد داشت، ولی دیگر مانند دوران جنگ سرد در خط‌مقدم این ترتیبات امنیتی قرار نخواهد گرفت. ترکیه در همسایگی خود، هیچ تهدیدی احساس نمی‌کند و طرحی هم برای آن ندارد. در واقع ترکیه در سپر دفاع موشکی ناتو مشارکت می‌کند، ولی حاضر نیست این سپر یا بخش‌های از آن را در خاک کشور خود مستقر نماید. ترکیه مخالفت خود را به‌طور تلویحی و در قالب شروطی مطرح کرد. ترکیه اعلام کرد به شرطی با استقرار این سامانه در خاک خود موافقت است که همه اعضای ناتو به‌طور رسمی اعلام کنند این سامانه، خطری را متوجه ایران و سوریه نمی‌کند. شرط دوم هم حذف نام ایران از فهرست دشمنان ناتو است. شرط سوم، پوشش همه خاک ترکیه در زیر چتر دفاعی این سامانه و همچنین مشارکت در ایجاد و در نهایت، فرماندهی این سامانه است. شرط چهارم، عدم انتقال اطلاعات و داده‌های نظامی به کشورهای غیرعضو ناتو به‌ویژه رژیم صهیونیستی بود. هدف ترکیه از این شرط، کاستن از نگرانی‌های کشورهای خاورمیانه در مورد احتمال انتقال اطلاعات نظامی آنها به این رژیم است. به عبارتی آنکارا ضمن پذیرش طرح ناتو می‌خواهد از پیامدهای منفی این طرح به ویژه در روابطش با کشورهای منطقه خاورمیانه بکاهد (www.nato.int, 2010). در اجلاس لیسبون که از جمله اجلاس‌های مهم در تاریخ

ناتو به شمار می‌آید؛ چرا که راهبردهای ناتو در دفاع از کشورهای عضو برای ده سال آینده مورد توافق اعضا قرار گرفت، با شروط ترکیه موافقت شد.

در واقع علت عقب‌نشینی آمریکا از طرح استقرار سامانه سپر دفاعی موشکی در اروپای شرقی به دلیل حمایت‌های روسیه از برنامه هسته‌ای ایران بود که با هدف اصلی از استقرار این سامانه، همخوانی نداشت؛ چرا که این سامانه، برای مهار ایران ترتیب داده شده بود، در حالی که روسیه از فعالیت‌های ایران حمایت می‌نمود، به همین دلیل، از استقرار آن در اروپای شرقی، با قید شروطی برای روسیه دست کشیدند. این شروط عبارتند از: تعلیق همکاری‌های اتمی روسیه با ایران، تغییر سیاست‌های روسیه در گروه ۵+۱ علیه ایران (آمریکا قصد دارد با استفاده از اهرم مسکو، ایران را در زمینه‌های هسته‌ای و موشکی، خلع سلاح کند تا احتمال پذیرش شرایط کشورهای ۵+۱ از سوی ایران فراهم شود) و توقف ارائه موشک‌های پیشرفته اس ۳۰۰ روسی به ایران. به طور کلی آمریکا قصد دارد با عقب‌نشینی از استقرار سپر دفاعی در اروپای شرقی از روابط ایران و روسیه بکاهد.

این در حالی است که طبق سند بازنگری وضعیت هسته‌ای آمریکا، این کشور از سلاح هسته‌ای استفاده نمی‌کند، ولی پنتاگون در حال انجام برنامه‌ای با عنوان حمله سریع جهانی^۱ است. هدف نهایی این طرح آن است که موشک‌هایی با کلاهک‌های متعارف بتوانند در ۶۰ دقیقه بدون نیاز به جابه‌جایی عظیم نیروی انسانی و تجهیزات فوق‌العاده نظامی، هدف‌های خود را در سراسر کره زمین هدف قرار دهد. طرح ضربه سریع جهانی، نوعی راهبرد پیشدستانه ضربه اول است که الگوی زمینی جنگ ستارگان محسوب می‌شود و تا سال ۲۰۱۵ طول خواهد کشید.

1. PGS (Prompt Global Strike)

۴. استقرار سپر دفاعی موشکی در خلیج فارس

افزون بر ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه، اوپاما تلاش کرد تا توان دفاعی کشورهای حوزه خلیج فارس را تقویت نماید. البته شروع این تلاش‌ها از زمان دولت بوش آغاز شد و در دوران اوپاما ادامه پیدا کرد. دولت آمریکا در دوران بوش، سیاست سه‌جانبه‌ای را برای تقویت توان دفاع موشکی کشورهای منطقه در برابر تهدیدهای موشکی در اولویت قرار داد که شامل تلاش برای فروش سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته به کشورهای عربی، گسترش توان دفاع هوایی ناوهای آمریکایی مستقر در خلیج فارس و همچنین ایجاد سامانه دفاعی مشترک در رژیم صهیونیستی و یکی از کشورهای عربی می‌باشد که همچنان در دوران اوپاما ادامه دارد.

این مباحث، اولین بار در سخنرانی ژنرال دیوید پترائوس، فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا، مطرح شد. وی اعلام کرد این سامانه شامل دو کشتی گشت‌زنی با تجهیزات ویژه در خلیج فارس و استقرار دو سامانه دفاعی در کشورهای قطر، امارات، بحرین و کویت خواهد بود. پس از طرح این موضوع، دولت آمریکا دو کشتی جنگی ایجیس با توان دفاع هوایی در برابر موشک‌های بالستیک را به منطقه خلیج فارس اعزام نمود (Sanger & Schmitt, 2010).

به دنبال موافقت کویت، قطر، بحرین و امارات، دولت آمریکا تصمیم گرفت سامانه دفاع موشکی پاتریوت^۱ خود را در این کشورها مستقر کند. بنابراین ۴ رادار، ۲۰ سکوی پرتاب، ۶۰ موشک پاتریوت به کویت فروخته شد. سامانه ایکس باند به قطر و سامانه بسیار پیشرفته دفاع هوایی «تاد»^۲ نیز به امارات فروخته شد (Moran, 2010).

در واقع تقویت کشورهای حوزه خلیج فارس، با هدف تکمیل کردن سپر ضد موشکی انجام می‌شود. هدف این است که سامانه‌های دفاعی کشورهای حوزه خلیج فارس با

1. Patriot Missiles Defence System
2. Terminal High Altitude Area Defense (THAAD)

همدیگر پیوسته شوند و این سامانه با سامانه دفاع ضد موشکی در ترکیه و رژیم صهیونیستی پیوند خورده و در نهایت، یک سپر دفاع موشکی قوی را به وجود آورد.

اتحاد راهبردی واشنگتن با کشورهای عربی همسایه ج.ا. ایران، حرکتی نظامی و بازدارنده تلقی می‌شود و این نخستین بار است که آمریکا و اعراب، حلقه تصمیم‌سازی مشترک در قالب اتحاد راهبردی تشکیل داده‌اند. البته در گذشته نیز تهدیدها و سازوکارهای مختلفی با رویکرد ضدایرانی از سوی آمریکایی‌ها و دیگر کشورهای عربی در منطقه به کار گرفته شده است. برای مثال، نفس تشکیل شورای همکاری خلیج فارس که از شش کشور عرب این منطقه شکل گرفت، بنا به توصیه هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا و با هدف مقابله با آنچه تهدید ایران علیه کشورهای منطقه خوانده می‌شد، بود. از زمان تشکیل این شورا بهانه‌ای که آمریکایی‌ها به طور دائم برای اعراب مطرح می‌کردند، تهدید توان نظامی ایران بوده است. در واقع آمریکا از این موضوع استفاده دوگانه می‌کند. به عبارتی هم بر روابط کشورهای منطقه با ایران تأثیر می‌گذارد و هم از این ابزار، استفاده تبلیغاتی و روانی می‌کند.

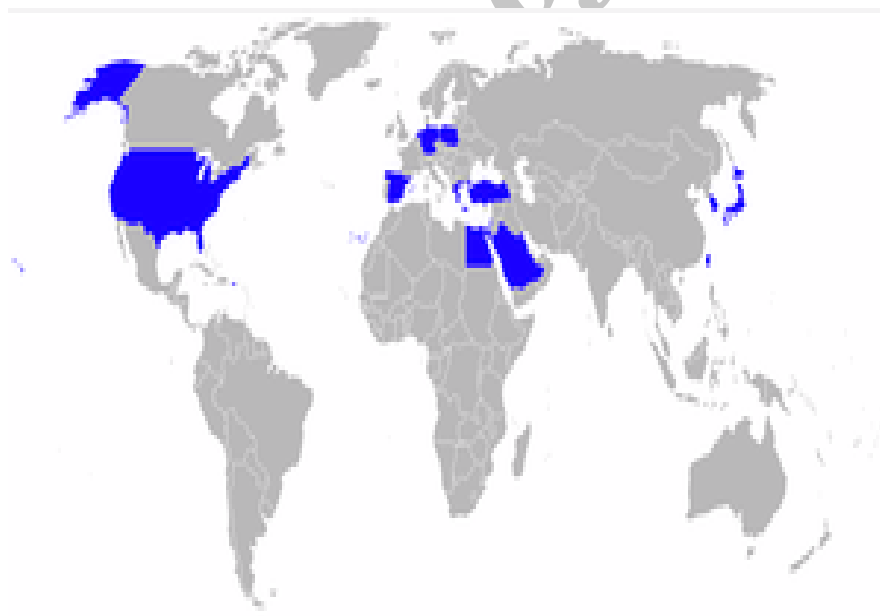
جدول شماره ۱. مشخصات موشک‌های پاتریوت

نوع موشک	MIM-104 PAC 2	MIM-104 PAC 3
طول موشک	5.18 m	5.2 m
قطر موشک	410 mm	250 mm
وزن موشک	900 kg	312 kg
سرعت موشک	5 mach	5 mach
وزن کلاهک	91 kg	73 kg
حداکثر برد رادار	100 km	100 km
حداکثر بُرد رهگیری	70-160 km	200 km
ظرفیت موشکی	4	6

جدول شماره ۲. قابلیت‌ها و ضعف‌های موشک‌های پاتریوت

ضعف‌ها	قابلیت‌ها
۱. نمی‌توانند به طور مستقل بر علیه موشک‌های جدید بالستیک استفاده شوند.	۱. توانایی دفاع در برابر موشک‌های هوا-تلفس و موشک بالستیک کروز
۲. نمی‌توانند زمان و محل ورود مجدد موشک‌های بالستیک به داخل جو زمین را مشخص کند.	۲. سامانه هدایت تعقیب از طریق TVM
۳. بدون استفاده از ماهواره‌های نظامی در برابر موشک‌های بالستیک درمانده می‌شود.	۳. دارا بودن ظرفیت ۶ موشک
۴. اتلاف وقت به دلیل در اختیار گرفتن و ورود به سامانه ماهواره‌ای	۴. ایستگاه واپایش درگیری تحت نظارت مستقیم انسان
۵. تغییر و پردازش اطلاعات ارسالی از سوی ماهواره‌ها برای سامانه پرتاب موشک‌های پاتریوت	۵. ارتباط با ایستگاه پرتاب واحدهای دیگر آتشبار
	۶. ظرفیت ردگیری ۱۰۰ هدف مختلف و هدایت ۹ موشک به طور همزمان

نقشه شماره ۱. محل‌های استقرار سامانه ضد موشکی پاتریوت در جهان



۵. مهار ایران

برنامه هسته‌ای ایران بحث‌های زیادی را جهت استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا مطرح کرده است. بسیاری از طیف‌های سیاسی در آمریکا، اظهار داشته‌اند که هیچ کشوری به اندازه ایران برای آمریکا چالش برانگیز نیست (Moss, Winter 2009: 34).

در سند راهبرد دفاعی آمریکا (منتشره در سال ۲۰۱۲) به همکاری با کشورهای حوزه خلیج فارس به منظور جلوگیری از توسعه توانایی‌های هسته‌ای ایران تأکید شده است. به این ترتیب، برپایی سپر دفاع موشکی به عنوان یک سامانه دفاع موشکی در عرصه جهانی را می‌توان حاکی از طرح کلی ایالات متحده برای مقابله با تهدیدهای بالقوه ناشی از دشمنان موجود و احتمالی این کشور تلقی نمود. آمریکایی‌ها بر این باورند که توان موشکی دشمنان آنها روزبه‌روز در حال افزایش است و از این رو تلاشی جدی در مسیر برپایی هرچه سریع‌تر سامانه دفاع موشکی انجام می‌دهند (متقی، تابستان ۱۳۸۳: ۱۱).

ژنرال تری ابرینگ^۱، رئیس سازمان دفاع موشکی^۲ ادعا کرد که تهدیدهای ناشی از موشک‌های دشمن در حال رشد است و به سامانه موشکی در بیست کشور اشاره کرد. همه بیست کشور مانند رژیم صهیونیستی، هند، پاکستان، ویتنام، کره جنوبی، مولداوی، اکراین، عربستان سعودی و مصر به جز دو کشور (ایران و کره شمالی) دوستان و متحدان ما هستند که ما هیچ تهدید موشکی از جانب آنان نداریم. به تازگی ونزوئلا نیز به این فهرست اضافه شده است. افزون بر این به استثنای روسیه و چین، هیچ‌کدام از بیست کشور از جمله ایران و کره شمالی، موشک‌هایی ندارند که بتواند به آمریکا برسد. در سال ۱۹۷۲ تنها سه کشور، موشک‌های بالستیک داشتند، ولی امروزه این تعداد به بیست کشور افزایش یافته و شامل رژیم‌هایی می‌شود که با تروریست‌ها در ارتباط هستند (Coyle & Samson, 2008: 6).

1. Tery Obering
2. Missile Defense Agency

کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجهٔ اسبق آمریکا نیز استدلال کرد که کرهٔ شمالی و ایران تهدیدی جدی برای اروپا و آمریکا محسوب می‌شوند. این دو کشور، تهدید کننده و غیرقابل پیش‌بینی هستند، حتی با وجود اینکه سازمان اطلاعات امنیت ملی آمریکا گزارش داده است که ایران ساخت سلاح‌های موشکی را در اوایل ۲۰۰۳ متوقف کرده است (Sahihan, et. al, 2009: 31).

آمریکا معتقد است که با وجود مذاکرات اروپا با ایران و امضای تفاهم‌نامه‌های سعدآباد، بروکسل و پاریس بین طرفین و صدور قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ و اعمال تحریم‌ها علیه این کشور، هیچ‌گونه تغییری در سیاست ایران به وجود نیامده است و ایران در حال توسعهٔ توانایی‌های خود در موشک‌های بالستیک می‌باشد. از سال ۱۹۹۹، سازمان اطلاعاتی ایالات متحدهٔ آمریکا پیش‌بینی کرده است که ایران موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای خود را علیه آمریکا توسعه می‌دهد. برخی معتقدند که این اتفاق در سال ۲۰۱۵ رخ می‌دهد. افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران موشک‌های بالستیک با بُرد متوسط دارد که برای آمریکا و برخی از دولت‌های اروپایی خوشایند نیست. ایران با آزمایش‌های موفقیت‌آمیزی که بر روی موشک شهاب ۳ انجام داد، قادر به حمله به بسیاری از کشورهای خاورمیانه و جنوب اروپا می‌باشد که برای متحدان آمریکا تهدید محسوب می‌شود. البته از ماهواره‌بر سفیر نیز نباید غافل شد که بسیاری از فناوری‌های مورد نیاز برای یک موشک بالستیک قاره‌پیما را داراست (Moss, Winter 2009: 34).

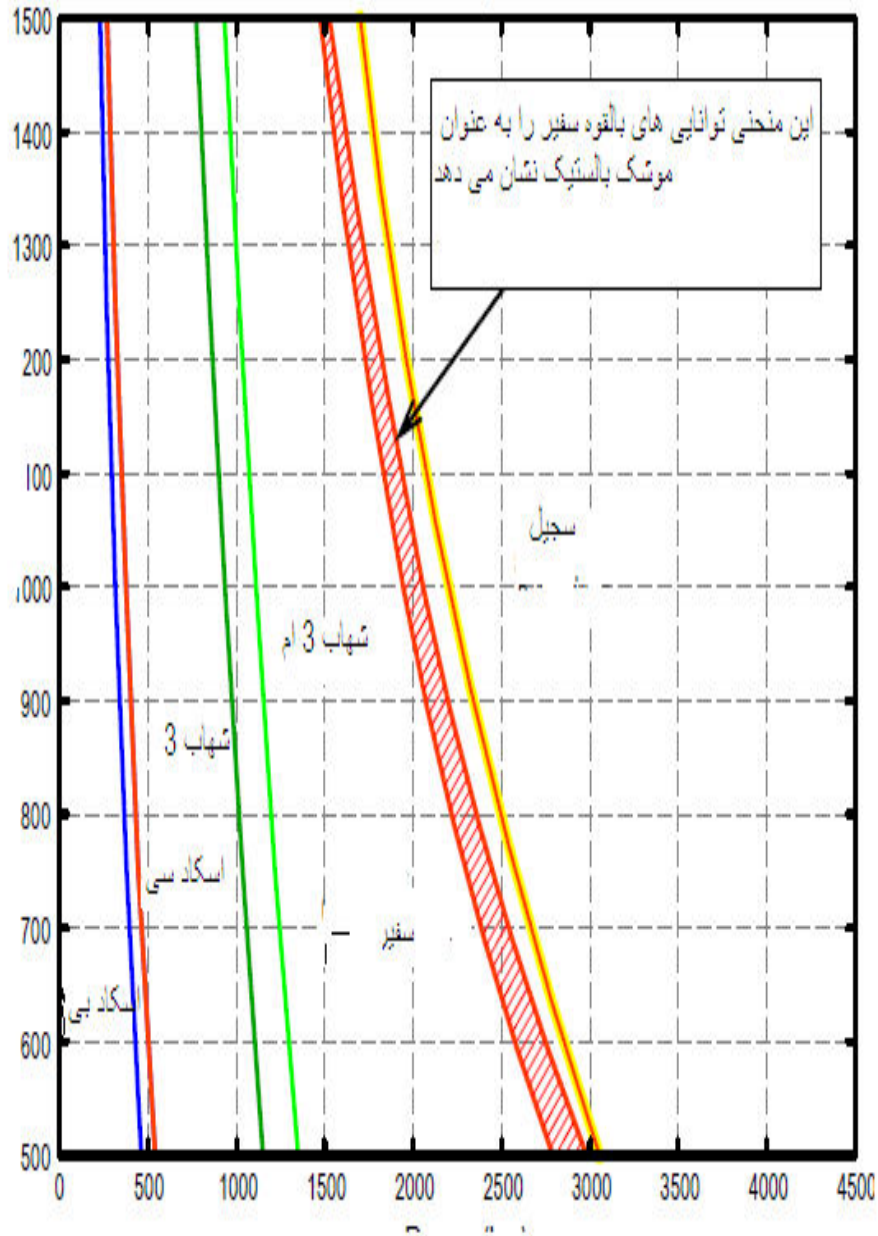
جدول شماره ۳. انواع موشک‌های ایران

نوع موشک	نام موشک	بُرد عملیاتی به کیلومتر	نوع سوخت	توضیحات
کوئته‌برد	زلزال ۱	۱۵۰	جامد	یک راکت توپخانه سنگین ساخت ایران
	زلزال ۲	۲۱۰	جامد	یک موشک غیرهدایت‌شونده توپخانه‌ای ساخت ایران
	زلزال ۳	۲۰۰	جامد	یک موشک یا نیرو محركه جامد
	شهاب ۱	۳۰۰	جامد	طراحی آن بر اساس اسکاد بی
	فاتح ۱۱۰	۳۰۰	جامد	موشک زمین به زمین یک مرحله‌ای
میان‌بُرد	شهاب ۳	۱۳۰۰-۲۵۰۰	مایع	طراحی آن بر اساس موشک نودونگ
	فجر ۳	۲۰۰۰	مایع	توانایی اصابت چندین هدف به طور همزمان
	عاشورا	۲۰۰۰	جامد	
	قدر ۱۱۰	۲۵۰۰-۳۰۰۰	مایع و جامد	الگوی بهسازی شده موشک شهاب ۳
	سجیل ۱	۲۰۰۰-۲۵۰۰	جامد	موشک زمین به زمین دو مرحله‌ای با قابلیت پرتاب از زوایای مختلف

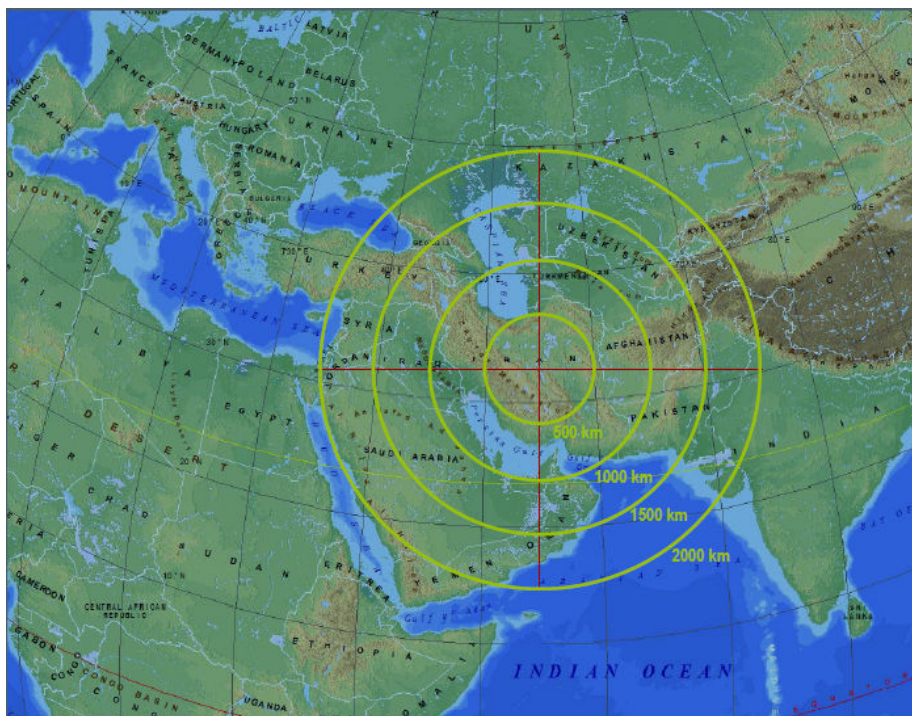
آمریکایی‌ها معتقدند تا زمانی که اثبات مقاصد صلح‌آمیز برنامه غنی‌سازی هسته‌ای ایران مورد شک و تردید است، باید سپر دفاع موشکی برای دفاع از اروپا در برابر حمله ایران مستقر شود؛ چرا که یکی از دلایل خروج آمریکا از پیمان موشک ضدبالتستیک در سال ۲۰۰۲، توسعه قابلیت‌های موشک‌های بالتستیک در برابر تهدیدهای ایران می‌باشد

(Moss, Winter 2009: 36).

نمودار شماره ۱. بُردهای عملیاتی موشک‌های ج.ا.ایران



نقشه شماره ۲. بُرد موشک‌های ایران در جهان



۶. تأثیرهای این طرح بر امنیت ملی ج.ا. ایران

فارغ از تمام تحلیل‌های متفاوتی که در مورد علل گسترش سامانه‌های دفاعی آمریکا در منطقه وجود دارد، باید دانست که اصل این موضوع، به هیچ عنوان با منافع امنیتی ج.ا. ایران سازگار نیست. تأثیرهای منفی یا چالش‌های امنیتی طرح سپر دفاع موشکی آمریکا علیه امنیت ملی ایران را می‌توان در دو بُعد نظامی و اقتصادی بررسی کرد:

۶-۱. چالش‌های نظامی

طرح سپر دفاع موشکی از آنجا که بخش نظامی راهبرد امنیت ملی آمریکا برای مقابله با تهدیدهای ناهمگون می‌باشد، به طور مستقیم چالش و تهدید نظامی علیه ایران

را دربردارد و امنیت نظامی کشور را به مخاطره می‌اندازد. این طرح در بلندمدت می‌تواند بسیار جدی و خطرناک باشد؛ به گونه‌ای که بقا و حیات کشور را به خطر اندازد. این مواجهه و رویارویی از طریق فرایند امنیتی کردن ایران ممکن می‌شود. امنیتی کردن، فرایندی است که در آن بازیگر امنیت‌ساز، موضوع را به گونه‌ای تعریف می‌کند که تهدیدهای وجودی دربردارد و به وسیله راهکارها، ابزارها و رویه‌های رایج و متداول سیاسی، نمی‌توان آن را مدیریت و مرتفع ساخت. از آنجا که امنیتی ساختن ماهیتی بین‌الذهانی دارد، فقط بازیگر امنیتی‌ساز آن را انجام نمی‌دهد و نیازمند پذیرش آن از سوی ناظران می‌باشد؛ به عبارتی آنان باید بپذیرند که موضوع یا پدیده‌ای، تهدیدی حیاتی و وجودی نسبت به ارزش‌های مشترک آنهاست و در چارچوب قواعد، هنجارها و رویه‌های غالب سیاسی نیز نمی‌توان آن را رفع کرد.

بر اساس این طرح، آمریکا به عنوان بازیگر امنیت‌ساز تلاش می‌کند ایران را تهدیدی وجودی علیه امنیت ملی خود و صلح جهانی معرفی کند و به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی نیز بقبولاند. طرح متهم‌سازی ایران به حمایت از تروریسم، تولید سلاح‌های هسته‌ای و در نهایت تولید موشک‌های دوربرد، قسمتی از روند امنیتی ساختن کشور از سوی آمریکا به شمار می‌آید. اگر ایالات متحده بتواند به طور کامل افکار عمومی در سطح منطقه و جهان را قانع کند که ایران تهدیدی علیه امنیت جهانی است، ایران امنیتی می‌شود و تهدیدهای نظامی علیه آن امکان‌پذیر خواهد شد. افزون بر آن آمریکا می‌تواند روند و فعالیت نظامی کشورهای منطقه و به ویژه ایران را تحت نظارت بیشتری درآورد.

۲-۶. چالش‌های اقتصادی

ورود تسلیحات نظامی به منطقه خلیج فارس، مهم‌ترین پیامد منفی این اقدام می‌باشد. تجربه تاریخی خریدهای نظامی کشورهای منطقه خلیج فارس نشان داده است

که خرید گسترده تسلیحات نظامی، کمک چندانی به افزایش امنیت آنها نکرده و حتی در برخی موارد، شرایط امنیتی را وخیم‌تر نموده است. بر این اساس، واردات تجهیزات نظامی و سامانه‌های دفاع هوایی پیشرفته آمریکا می‌تواند باعث ایجاد فضای بی‌اعتمادی بیشتر و در نتیجه، رقابت نظامی و سیاسی گسترده در سطح منطقه گردد. بنابراین در این فضای بی‌اعتمادی، ایران مجبور است که بخش زیادی از بودجه کشور را صرف خرید و تولید سلاح‌های نظامی و موشکی نماید. در شرایطی که ایران با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی روزافزون از جانب آمریکا مواجه است، صرف بودجه کشور در این مسیر می‌تواند پیامدهای اقتصادی زیادی را به بار آورد و هزینه‌های امنیتی و دفاعی کشور را افزایش دهد.

موضوعی که باعث ناامن شدن ایران می‌شود هراس کشورهای حوزه خلیج فارس از برتری نظامی ایران است. با وجود اینکه هزینه‌های نظامی ایران بسیار کمتر از کشورهای حاشیه خلیج فارس است، ولی در اثر تبلیغات آمریکا این احساس ناامنی از ناحیه ایران همواره در منطقه رو به افزایش است. این احساس تهدید، شعله‌ور شدن آتش مسابقه تسلیحاتی را در پی دارد. بنابراین مخرب‌ترین عامل در جهت دستیابی به توسعه امنیت سیاسی و اقتصادی، شرکت در بازی تسلیحاتی است. کشورهای حوزه خلیج فارس، بیشترین آمار خریدهای تسلیحاتی را به خود اختصاص داده‌اند که این موضوع از مهم‌ترین عوامل ناامنی در منطقه است و تا زمانی که این روند متوقف نشود، نه تنها منطقه، امن و باثبات نخواهد شد، بلکه به طور فزاینده‌ای شاهد ناامنی زیادی خواهد بود؛ زیرا مهم‌ترین هدف آمریکا و سایر کشورهای تولیدکننده تسلیحات در منطقه به‌ویژه در خلیج فارس، دامن زدن به این مسابقه تسلیحاتی و فروش هر چه بیشتر جنگ‌افزار در جهت تأمین منافع این قدرت‌هاست (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۹۵).

باتوجه به اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی خلیج فارس، این حوزه برای ج.ا. ایران به عنوان مهم‌ترین کانون امنیتی محسوب می‌شود که در تدوین راهبرد امنیت ملی کشور توجه زیادی به آن می‌شود.

امنیت در منطقه خلیج فارس، ماهیتی سنتی دارد و هنوز با برداشت نوین از آن فاصله زیادی دارد، که این از امکان هر گونه همکاری دوجانبه و چندجانبه جلوگیری کرده و امنیت کشورهای جنوب خلیج فارس را به شدت وابسته به ائتلاف‌های بین‌المللی ساخته است. این در حالی است که موضع رسمی ایران در خلیج فارس، حفظ امنیت در منطقه توسط خود کشورهای منطقه و بدون حضور نیروهای بیگانه است. معرفی ایران به عنوان تهدیدی برجسته و بلندمدت بر ضد امنیت کشورهای کوچک خلیج فارس با توجه به ضعف داخلی و احساس ناامنی و بی‌اعتمادی آن کشورها، آنها را از لحاظ امنیتی به آمریکا وابسته کرده است (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۷۶).

موضوع راهبردی خلیج فارس برای ایران، امنیت منطقه‌ای و امنیت دسته‌جمعی است. محیط امن، زمینه‌ساز توسعه و تحکیم امنیت ملی و محیط ناامن باعث عقب‌ماندگی و بحران امنیت است. بنابراین استقرار سپر دفاع موشکی و حضور آمریکا در منطقه از جمله مسائلی است که بر ابهام‌های معمای امنیت در خلیج فارس و منطقه می‌افزاید.

حضور آمریکا در اطراف مرزهای ملی با هدف‌ها و راهبردهای خاص، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری معمای جدید امنیتی ج.ا. ایران است. بحث مسلط در غرب این است که سرنگونی طالبان و رژیم بعثی عراق، آسودگی خاطری را از لحاظ رفع تهدیدهای امنیت ملی برای ایران به وجود آورده، اما از دیدگاه امنیت و منافع ملی این کشور، حس جدید ناامنی و شاید تهدیدی بزرگ‌تر، جانشین آنها شده که همان حضور پُررنگ آمریکایی‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، در شرایط جدید، آمریکا با پیگیری

سیاست‌های حضور درازمدت در منطقه، خود متعادل‌کننده راهبردی قدرت و نقش ایران در منطقه و نیز جانشین تهدیدهای امنیتی پیشین تبدیل شده است (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

به زبان نظامی، هر پدافندی می‌تواند جنبه‌ای آفندی نیز داشته باشد؛ به عبارتی وقتی سنگری برای حفاظت خود ایجاد می‌گردد، از پشت سنگر می‌توان دشمن را هدف قرار داد. به همین دلیل به دنبال استقرار این سامانه، ایران برداشت تهدید کرده و به تقویت نیروی نظامی خود خواهد پرداخت. در واقع تسری برداشت تهدید و اقدام به تقویت نیروی نظامی، در حرکتی دومینووار قابلیت دربرگیری شمار قابل ملاحظه‌ای از کشورها را دارد. هرچند هدف از ایجاد سپر دفاع موشکی از سوی کشور برپاکننده آن فقط وظیفه دفاع در برابر تهاجم‌ها و ایجاد بازدارندگی عنوان می‌شود، اما برداشت سایر کشورها و به‌ویژه کشورهایی که مخاطب این سامانه قلمداد می‌شوند، برداشتی تدافعی نیست؛ به عبارت دیگر، برداشت آنها از استقرار و تقویت چنین سامانه می‌تواند تهاجمی باشد. بنابراین استقرار این سامانه در خلیج فارس موجب ایجاد فضای تهدید پیرامون امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌گردد و رفتار امنیتی جمهوری اسلامی را به سمت اتخاذ راهبرد متقابل دفاعی یا راهبرد متقابل تهاجمی سوق می‌دهد که هر دو راهبرد، مستلزم تقویت توان امنیتی و نظامی کشور است. به عبارت دیگر، برداشت ایران از استقرار سامانه دفاع موشکی آمریکا چه با هدف تدافعی و چه با هدف تهاجمی، یکی است و آن، تهدید علیه امنیت کشور است و عاملی تحریک‌کننده برای ایران محسوب می‌شود. به عبارتی، افزون بر اینکه استقرار این سامانه به خودی خود، عامل محرک تلقی می‌شود، پیامدهای آن، که مشتمل بر تجهیز همسایگان و حلقه‌های پیرامون ج.ا. ایران است، نیز به صورت غیرمستقیم اثرگذار هستند و در مجموع، ضریب تهدید علیه ایران را افزایش می‌دهند. از پیامدهای این وضع، امنیتی‌شدن فضا و افزایش تنش در روابط است (هادیان و هرمزی، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۶).

نتیجه گیری

به طور کلی می توان گفت که آمریکا سپر دفاع موشکی در دوران جنگ سرد را با توجیه بازدارندگی شوروی به کار گرفت. با فروپاشی شوروی و ایجاد فضای جدید آمریکایی ها به دنبال توجیحات دیگری برای استقرار سپر دفاع موشکی خود بودند. به همین دلیل، داستان دشمنان جدید آمریکا یعنی کره شمالی و ایران را مطرح و تلاش کردند تا توان دفاع هوایی کشورهای عربی را در برابر توان موشکی ایران افزایش دهند. به همین دلیل، موشک های پاتریوت و سامانه پیشرفته «تاد» را به کشورهای عربی ارسال نمودند.

پرسش این است که هدف آمریکا از این اقدام چیست؟ و چه تأثیری بر امنیت ملی ایران می گذارد؟

هدف آمریکا از تلاش برای ایجاد سامانه های دفاعی در پیرامون ایران (ترکیه و خلیج فارس)، مهار ایران و کاهش توان موشکی جمهوری اسلامی است. در واقع آمریکا قصد دارد از رژیم صهیونیستی در برابر حمله های موشکی ایران در آینده حفاظت کند و با پیوند سامانه دفاعی کشورهای حوزه خلیج فارس با ترکیه و رژیم صهیونیستی، یک سامانه دفاعی قدرتمند را به وجود آورد. هدف این سامانه نزدیک تر کردن هرچه بیشتر کشورهای حوزه خلیج فارس به یکدیگر و فاصله گیری بیشتر از ایران می باشد. تلاش می شود تا ترتیبات امنیتی جدیدی که در خلیج فارس بر پا می شود بر اساس «ایران هراسی» باشد و ایران را به جای رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن اصلی جلوه دهد.

بر اساس یافته های پژوهش حاضر می توان سیاست های کلی زیر را برای جمهوری اسلامی ایران ارائه نمود:

(۱) اولویت بخشیدن سیاست خارجی به امنیت کشور در منطقه خلیج فارس: زمانی که آمریکا پایگاه های موشکی خود را در خلیج فارس مستقر نموده، ایران باید اولویت

دفاعی خود را برای مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای افزایش دهد. به عبارتی باید خط‌مشی‌ها و راهبردهایی را برای تثبیت نقش و امنیت خود در منطقه و کاهش آسیب‌پذیری و تهدیدهای خویش در دستورکار قرار دهد.

(۲) بهره‌گیری از فرصت‌های منطقه‌ای و تقویت همکاری با کشورهای حوزه خلیج فارس: هرچند ایران در ایجاد همکاری با کشورهای منطقه با موانع متعددی روبه‌روست (عدم اعتماد کامل این کشورها به یکدیگر)؛ ولی جمهوری اسلامی می‌تواند با امضای تفاهم‌نامه‌های امنیتی، برگزاری رزمایش‌های دریایی مشترک، انعقاد قرارداد در زمینه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری مشترک، ایجاد نهادهای مشترک سیاسی برای پیشگیری از اختلاف‌های به وجود آمده و تلاش در جهت نزدیک ساختن دیدگاه‌های امنیتی در جهت بومی‌سازی امنیت در منطقه و قانع ساختن کشورهای منطقه در جهت جلوگیری از استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در داخل خاک خود، هزینه‌های امنیتی و دفاعی خود را کاهش دهد.

(۳) سامانه‌های دفاع موشکی میان‌برد و دوربرد به دلیل دفاع مؤثر از کشور، باید ایجاد و تقویت گردند.

(۴) تغییر الگوی محیط امنیتی کشور: راهبرد امنیتی آمریکا در محیط پیرامونی ایران برخلاف خواست ایالات متحده، باعث بهبود موقعیت ایران شده است. به عبارتی سقوط طالبان و صدام حسین در مرزهای شرقی و غربی ایران، فضای مناسبی را برای فعالیت منطقه‌ای فراهم آورده است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه ج.ا. ایران که بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ درصد کسب مقام اول در منطقه می‌باشد، باید بتواند محیط امنیتی پیرامونی خود را غیرامنیتی سازد.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، *ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. غزایاق زندی، داود (۱۳۸۷)، *محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. *کمیسیون تدوین راهبرد امنیت ملی آمریکا* (۱۳۸۳)، ترجمه جلال دهمشگی و دیگران، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۴. متقی، ابراهیم (تابستان ۱۳۸۳)، فرایند تحول در کارکرد و ساختار دیپلماسی نظامی آمریکا، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۱۴.
۵. هادیان، ناصر و هرمزی، شانی (پاییز ۱۳۹۰)، نقش سیستم دفاع موشکی در ایجاد بازدارندگی و بررسی رفتار ایران، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۳.

۲. منابع انگلیسی

1. Baucom, R. Donald (Winter 2004), Eisenhower and Ballistic Missile Defense the Formative Years 1944-1961, *Air Power History*, Vol 51.
2. Coyle, Philip & Victoria Samson (2008), Missile Defense Malfunction: Why the Proposed U.S. Missile Defenses in Europe Will Not Work, *Ethics & International Affairs*, Vol 22.
3. Gray, Andrew (15 January 2009), U.S. to Review Europe Missile Shield under Obama, Reuters News, available at: <http://www.whitehouse.gov/agenda/defense>
4. Hildreth, Steven (2005), Missile Defense: The Current Debate, available at www.fas.org/spp/crs/weapons/RL31111.pdf
5. <http://www.fas.org/spp/starwars/program/nmd>
6. Mankoff, Jeffrey (Mar 2012), The Politics of U.S. Missile Defence Cooperation with Europe and Russia, *International Affairs*, Vol 88.
7. Moran, Andrew (2010), U.S. Increasing Missile Defense System in the Persian Gulf, available at: <http://www.digitaljournal.com/article/286761>
8. Moss, B. Kenneth (Winter 2009), Difiing Strategic Priorities: Ballistic Missile Defense, Iran and Relations with Major Power, *Mediterranean Quarterly*, Vol 20.
9. Sanger, Danid E. and Eric Schmitt (2010), U.S. Speeding up Missile Defenses in Persian Gulf, available at: <http://www.nytimes.com/2010/01/31/world/middleeast/31missile>
10. Sarihan, Ali, Bush, Amy, Summers, Lawrence, Thompson, Brent Tomaszewski, Steven (2009), Ballistic Missile Defense in Europe, *Turkish Journal of International Relations*, Vol 8.
11. www.nato.int/lisbon2010/strategicconcept-2010-eng.pdf
12. Zadra, Roberto (Oct/Nov 2010), NATO, Russia and Missile Defence, *RUSI Journal*, Vol. 155, No 5.